

Reviewing and Analyzing the Content of "أَجْمَعَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ" in the Compilation of the Qur'an by Imam Ali (PBUH)

Ahmad Mohammadi Majd  / Assistant Professor at the Department of Islamic Jurisprudence and Teachings, Al-Mustafa International University
mmajd.ahmad@yahoo.com

Received: 2024/04/15 - Accepted: 2024/06/25

Abstract

A famous hadith has been narrated in Shia and Sunni sources and is known as "أَجْمَعَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ". The content of this hadith indicates that the Qur'an was compiled by Imam Ali, emphasizing on this phrase "كما أنزل". Finding the intended meaning of this phrase has led to different opinions due to the inaccessibility of the Qur'anic text to the scholars'. Relying on this narration, some thinkers have considered the arrangement of the verses and surahs in Imam Ali's compilation to be based on the chronological order of their revelation. Recently, some researchers have followed a new method of "interpretation of the Qur'an based on its chronological revelation," on the basis of the infallible Imam's action. The necessity of analyzing and explaining this narration as close to reality, based on data and findings accepted in scientific centers, and evaluating the probabilities and statements—given the consequential effects of these opinions and the close connection of the hadith with the most important Muslims' sources in various domains—highlights the importance of a comprehensive investigation into the implications of this statement and the actions of the infallible. The research findings show that there is no solid evidence for the aforementioned interpretation of the hadith, either in terms of language and the text of the narration, or in the early reports about it; rather, it is just a possibility among other possibilities, and the evidence, if anything, supports an alternative interpretation.

Keywords: compilation of the Qur'an by Imam Ali, compilation "as it was revealed," interpretation based on the Revelation order, the order of Qur'anic Surahs and verses.

نوع مقاله: پژوهشی

بازخوانی و تحلیل مضمون «أَجْمَعَ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ» در تدوین مصحف امام علی علیه السلام

mmajd.ahmad@yahoo.com

احمد محمدی مجد  / استادیار گروه فقه و معارف جامعة المصطفی العالمیه

دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۵

چکیده

حدیثی مشهور در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده که به حدیث «أَجْمَعَ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ» معروف است و محتوای آن بیانگر گردآوری قرآن توسط امام علی علیه السلام با قید «کما انزل» است. کشف مراد از این جمله، با توجه به عدم دسترسی حسی اندیشمندان به مصحف، سبب بروز آرای متفاوت شده است. عده‌ای به استناد این روایت، چیش آیات و سور مصحف امام علی علیه السلام را بر اساس نزول زمانی دانسته‌اند و با تکیه بر این برداشت، اخیراً بعضی سبک نوظهور «تفسیر قرآن بر اساس نزول زمانی» را دنبال کرده و دلیل را عمل معصوم قرار داده‌اند. ضرورت تحلیل و تبیین نزدیک به واقع این روایت بر اساس داده‌ها و یافته‌های پذیرفته‌شده در جوامع علمی و ارزشیابی احتمالات و اقوال پیرامون آن، با توجه به آثار مترتب بر اقوال و ارتباط تنگاتنگ حدیث با مهم‌ترین مرجع مسلمانان در ساحت‌های مختلف، بیانگر اهمیت تحقیقی جامع در مفاد این سخن و عمل معصوم است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که دلیلی قطعی بر برداشت مذکور از حدیث، نه در لغت، نه در متن روایت و نه در گزارش‌های اولیه درباره آن وجود ندارد؛ بلکه یک احتمال در کنار دیگر احتمالات است و قرائن، بلکه دلایلی، احتمال دیگری را تقویت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مصحف امام علی علیه السلام، جمع کما انزل، تفسیر تنزیلی، ترتیب سوره‌ها و آیات.

مقدمه

یکی از احادیث تأثیرگذار در اعتقادات، و به دنبال آن، رفتارهای ما در ارتباط با قرآن کریم، حدیثی درباره نحوه تدوین مصحف امام علی^ع بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام^ص است که در آن با عبارت «أَجْمَعَ الْقُرْآنُ كَمَا أُنْزِلَ» بیان شده است.

این جمله و مضامین مشابه، به علت عدم دسترسی به مصحف حضرت، باعث به وجود آمدن برداشت‌های متفاوت در بین صاحب‌نظران شده است؛ از جمله: تحریف به نقیصه در قرآن؛ تفاوت قرائت موجود با قرائت تنزیلی؛ و تفاوت ترتیب آیات و سوره مصحف آن حضرت با ترتیب موجود در قرآن متداول.

ذکر این حدیث و بحث درباره محتوای آن، از دیرباز به‌طور اختصار در ضمن کتاب‌های مختلف وجود داشته است؛ از جمله: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۳۳؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۵۱؛ عیاشی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳؛ مفید، ۱۴۱۴ ق ب، ص ۷۹؛ نعمانی، ۱۴۲۲ ق، ص ۳۳۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ ق، ج ۱، ص ۳۱۹؛ صفار، ۱۳۶۲، ص ۲۱۳؛ بلاذری، ۱۹۵۹ م، ج ۱، ص ۵۸۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق، ج ۴۲، ص ۳۹۹؛ خوارزمی، ۱۴۱۴ ق، ص ۹۴؛ و به‌طور گسترده‌تر در کتاب‌ها و مقالات به بحث درباره مصحف امام علی^ع، تدوین قرآن، و تحریف یا تحریف‌ناپذیری آن پرداخته شده است؛ از جمله: خویی، ۱۳۹۵ ق، ص ۲۲۳؛ معرفت، ۱۴۱۳ ق ب، ص ۲۶۹-۲۷۲؛ نکونام، ۱۳۸۲، ص ۹۹-۱۰۶؛ اما اینان نیز تنها برای اثبات مدعای خود این حدیث را ذکر کرده و با بیان یک یا دو احتمال، مدلول حدیث را ظاهر در مختار خود دانسته‌اند و از بحث جامع سندی و بیان تمام احتمالات در معنای حدیث پرهیز کرده‌اند.

به تازگی برخی توجه ویژه‌ای به این حدیث نموده و دلالت آن بر اختلاف ترتیب مصحف امام با قرآن موجود را تلقی به قبول کرده‌اند و بر این اساس، سبک تفسیر تنزیلی پا به عرصه وجود نهاده است و آن را سبک تفسیری امام علی^ع دانسته‌اند (ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲ ق، ص ۴؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ص ۹۱) و مشروعیت آن را به عمل مولای متقیان^ع مستند کرده‌اند (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۵۶).

حال با توجه به نبود یک نوشته مستقل و جامع درباره روایت، که همه احتمالات در معنای آن را بیان و ارزیابی کرده باشد، و مستند شدن این روایت برای تفسیر تنزیلی در عصر حاضر، ضرورت و اهمیت تحقیقی فراگیر آشکار می‌گردد. در این مقاله ابتدا متن حدیث از منابع معتبر و متعدد فریقین بیان خواهد شد و در ادامه، احتمالات در معنای حدیث مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد؛ سپس قرائن و ادله درباره احتمال نزدیک‌تر به واقع، یعنی جمع همراه با «تفسیر وحیانی»، ارائه می‌شود تا علاوه بر درک صحیح‌تر از روایت، چراغ راه و میزان ما در تشخیص صحت و سقم بعضی رفتارهای مستند به این حدیث و مضامین مشابه باشد. روش پردازش داده‌ها و یافته‌ها در این نوشتار، تحلیلی - نقادانه خواهد بود.

۱. حدیث «أَجْمَعَ الْقُرْآنُ كَمَا أُنْزِلَ»

فریقین روایاتی نقل کرده‌اند با این مضمون که امام علی^ع مصحف خود را «کما انزل» گرد آورده است؛ از جمله از امام صادق^ع نقل شده است که فرمودند: «أَخْرَجَهُ عَلِيٌّ إِلَى النَّاسِ حِينَ فَرَّغَ مِنْهُ وَكُتِبَ، فَقَالَ لَهُمْ: هَذَا كِتَابُ اللَّهِ

عز وجل كما أنزله [الله] على محمد ﷺ وقد جَمَعَهُ من اللوحين...» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۳۳)؛ امام علی ؑ بعد از فراغت از تألیف مصحف، آن را بر مردم عرضه کرد و گفت: این کتاب خداوند متعال است، همان طور که خداوند بر محمد ﷺ نازل کرده است؛ و من آن را در بین دو لوح جمع‌آوری کردم».

به نظر می‌رسد کلمه «من» در «من اللوحین» به معنای «فی» باشد؛ مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ» (جمعه: ۹). تأیید می‌کند این برداشت را نسخه چاپ دارالحديث، جلد ۴، صفحه ۶۷۲ که با عبارت «بین اللوحین» آمده است؛ همچنین روایات مشابه دیگر؛ از جمله: «...ان لا أَضَعُ رِدَايَ عَنْ ظَهْرِي حَتَّى جَمَعَ مَا بَيْنَ اللُّوْحَيْنِ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۳۲۰). تعبیر «ما بین اللوحین»، مانند «ما بین الدَّقَتَيْنِ» است و مراد از «لوحین» در روایت کافی، دو جلدی است که اوراق را معمولاً برای حفاظت در بین آن قرار می‌دهند. بر این اساس، نشویه و ابتدائیه گرفتن «من» و بیان بعضی احتمالات بعید در کلام مجلسی، با توجه به اینکه حضرت این قرآن را برای مردم جمع کرده است، خالی از تأمل و اشکال نیست: «شاید در زمان پیامبر بر دو لوح نوشته، پس از آن جمع نموده؛ یا مراد، لوح خاطر و لوح دفاتر، یا لوح محفوظ و لوح محو و اثبات، یا لوح ارضی و سماوی باشد. والله يعلم» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۵۲۳).

ابن سیرین نیز نقل می‌کند: ابوبکر به امام علی [بعد از نیامدن برای بیعت با او] گفت: آیا امارت مرا قبول نداری؟ ایشان در جواب فرمودند: خیر؛ نیامدن برای بیعت به این علت است که قسم خوردم بعد از وفات پیامبر - صلی الله علیه و سلم - عبا بر دوش نگیرم تا اینکه قرآن را آن طور که نازل شده است، جمع کنم. «ایوب عن ابن سیرین قال أبو بكر لعلي رضي الله تعالى عنهما: أكرهت إمارتي؟ قال: لا ولكنني خَلَفْتُ أَنْ لَا أَرْتَدِيَ بعد وفاة النبي صلي الله عليه وسلم برداء حتى أجمع القرآن كما أنزل» (بلاذری، ۱۹۵۹م، ج ۱، ص ۵۸۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۴۲، ص ۳۹۹). البته با توجه به موضع‌گیری‌های امام علی ؑ و بیانات ایشان، به‌ویژه در خطبه شقشقیه درباره خلافت ابوبکر و گزارش‌های مسلم تاریخی، معلوم می‌شود که صدر روایت را برای تأیید حکومت ابوبکر اضافه کرده‌اند. شارح شواهد التنزیل در این باره فرموده است: «به اقوال امام در تظلم از قوم و قصه سقیفه در تاریخ طبری و غیر طبری از ثقات رجوع کنید تا روشن شود این مطلب و امثال آن افترا و زور است که برای تطهیر اعمال قوم داخل کرده‌اند» (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، جزء ۱، ص ۳۶ و ۳۸؛ تعلیقه ۱، ذیل حدیث ۲۲ و ۲۷). اما ذیل آن، که موضوع بحث ماست، با حدیث امام صادق ؑ مطابق است.

مضمون روایات بالا در روایت ابن ابی‌رافع نیز که مشتمل بر وصیت پیامبر ﷺ به جمع قرآن توسط امام علی ؑ است، آمده است: «وفی أخبار أبي رافع: أن النبي صلي الله عليه وآله قال في مرضه، الذي توفي فيه لعلي: يا علي، هذا كتاب الله خذه إليك. فجمعه في ثوب، فمضى إلى منزله؛ فلما قبض النبي صلي الله عليه وآله جلس علي؛ فألفه كما أنزل الله، وكان به عالماً» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۳۱۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۰، ص ۱۵۵؛ امین، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۸۹؛ خوارزمی، ۱۴۱۴ق، ص ۹۴؛ نعمانی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۳۳، ح ۳ و ۵).

۱-۱. سند روایات

از آنجاکه روایات همگی مضمون مشابه هم دارند و برای اثبات یک مضمون، یک روایت معتبر کافی است، از باب اختصار تنها به بررسی سندی روایت کلینی اکتفا می‌شود؛ علاوه بر اینکه بر اساس بعضی از مبانی، در مواجهه با روایات هم‌مضمون، اگر بعضی سند صحیح و معتبر دارند، هم‌مضمون‌های ولو دارای مشکل سندی را نیز معتبر می‌کنند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۶۸).

سند حدیث کلینی از این قرار است:

محمد بن یحیی ابوجعفر عطار قمی بزرگ شیعیان در زمان خود بوده و نجاشی با وصف «ثقة عین» او را توثیق کرده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۵۳)؛

محمد بن حسین بن ابی الخطاب ابوجعفر زیات همدانی از علمای بزرگ شیعه و کثیر الروایه است و با عبارت «ثقة، عین، حسن التصانیف، مسکون إلی روايته» توثیق شده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۵۳، رک: طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۷۹).
عبدالرحمن بن ابی هاشم بجلی ابومحمد نیز از علمای بزرگ امامیه است و با تعبیر «ثقة ثقة» توثیق و از او تمجید شده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۳۶).

سالم بن سلمه: رجالی معاصر، محقق خوبی، با اشاره به روایت کافی در ذیل عنوان «سالم ابوسلمه» می‌نویسد: در این عنوان تحریف واقع شده و صحیح آن «سالم ابوسلمه» است و مراد از آن، سالم بن مکرم است که نجاشی وی را توثیق کرده و گفته است: «ثقة ثقة، روی عن ابی عبدالله و ابی الحسن (علیه السلام)» (خوبی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۲۱-۲۲ و ۲۴-۲۵). بنا بر این سند، روایت صحیح می‌شود (خوبی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۲۵-۲۸) و ضعیف شمردن روایت (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۵۲۳) بی اعتبار خواهد شد.

۱-۲. محتوای حدیث

معنای «انزل»: نَزَلَ به معنای فرود آمدن از مکان بالا به پایین است (فیومی، ۱۴۰۵ق، ص ۶۰۰، ابن فارس، ۱۳۸۷، ص ۹۵۰). این فعل با رفتن به باب افعال و تفعیل و حرف اضافه «ب» متعدی می‌شود و هر سه قسم متعدی آن در قرآن و روایات به کار رفته است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ...» (آل عمران: ۷)؛ «...وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ...» (نحل: ۸۹)؛ «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ» (شعرا: ۱۹۳-۱۹۴). در قرآن، بیشتر در باب افعال و تفعیل آمده و در حالت متعدی، وقتی متعلق و مفعول آن کتاب‌های آسمانی از جمله قرآن است، مراد آن چیزی است که خداوند بر پیامبرش نازل کرده و در آیات متعدد این معنا اراده شده است؛ از جمله: «...وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ * مِنْ قَبْلِ هَٰذَا هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ...» (آل عمران: ۳-۴).

معنای «کما انزل»: در معنای ترکیبی «کما انزل» احتمالات مختلفی وجود دارد:

۱-۲-۱. احتمال اول

«کما أنزل» یعنی بر اساس تاریخ نزول؛ و مراد از «ما» زمان نزول، ترتیب نزول و مانند این معانی است. شیخ مفید که از معتقدان به تدوین مصحف امام علی علیه السلام بر اساس ترتیب نزول است، مستند خود را عبارت «کما أنزل» قرار داده، که معلوم می‌شود از این کلام ترتیب نزول را فهمیده است:

وقد جمع أمير المؤمنين عليه السلام القرآن المنزل من أوله إلي آخره، وألفه بحسب ما وجب من تأليفه، فقدم المكي علي المدني، والمنسوخ علي الناسخ، ووضع كل شيء منه في محله (حقه) فلذلك قال جعفر بن محمد الصادق عليه السلام: «أما والله لو قرئ القرآن كما أنزل لألفيتونا فيه مسمين كما سُمي من كان قبلنا» (مفيد، ۱۴۱۴ق ب، ص ۷۸).

حال با توجه به قدمت شیخ مفید (۳۳۶ یا ۴۱۳-۳۳۸ق) و صراحت نظر او در تدوین مصحف امام علی علیه السلام بر اساس ترتیب نزول، قول به تدوین بر اساس نزول را خطای برخی محدثان یا قرآن‌پژوهان دوره‌های متأخر شمردن (ایازی، ۱۳۸۰، ص ۱۰-۱۱)، ناتمام و محل اشکال است.

این احتمال در طول تاریخ طرف‌دارانی داشته است؛ از جمله: قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۵۹؛ ابن جزی غرناطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۲؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ج ۹، ص ۳۸-۳۹؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۷۱؛ صدر، بی‌تا، ص ۲۵؛ طباطبائی، ۱۳۶۰، ص ۱۱۳؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۲۳؛ معرفت، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۲۴؛ آبیاری، ۱۴۱۱ق، ص ۸۵؛ کردی، ۱۳۶۵ق، ص ۷۲؛ رامیار، ۱۳۶۹، ص ۳۷۰؛ نجارزادگان، ۱۴۲۴ق، ص ۷۱. می‌توان ادعا کرد که این، قول رایج و مشهور در مورد مصحف بوده است.

در دوره معاصر، بعضی با پذیرش قطعی تفاوت چینش آیات و سوره‌ها در مصحف امام علی علیه السلام با قرآن موجود، با استناد به ادله‌ای (ر.ک: بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۴۸-۶۶ و ۱۶۰)، از جمله این روایت و مضامین مشابه آن، تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول زمانی را سبک تفسیری امام علی علیه السلام (ملاحویش آل‌غازی، ۱۳۸۲ق، ص ۴) و هماهنگ با تفسیرنگاری آن حضرت دانسته (بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ص ۹۱) و فرموده‌اند: «جواز تفسیر قرآن به ترتیب نزول، از عمل مولای متقیان برداشت می‌شود» (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۵۶) و تفاسیری بر همین اساس پا به عرصه وجود نهاده است.

۱-۲-۲. احتمال دوم

«کما أنزل» یعنی مانند نزول اولیه بر پیامبر صلی الله علیه و آله، به‌ضمیمه این اعتقاد که مطالبی در نزول اولیه به‌عنوان وحی تنزیلی بوده و از قرآن توسط مخالفان اهل‌بیت علیهم السلام حذف شده است. بر این اساس، قائلان به این تعریف معتقدند مصحف حضرت بیش از قرآن موجود بوده است و ادله‌ای را برای این اعتقاد ذکر کرده‌اند؛ از جمله روایتی که می‌فرماید: قرآنی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده، هفده هزار آیه داشته است: «عن ابي عبدالله قال: إن القرآن الذي جاء به جبرئيل عليه السلام إلى محمد صلی الله علیه و آله سبعة عشر ألف آية» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۳۴). این احتمال را قائلین به «تحریف قرآن به نقصیه» تقویت کرده و برگزیده‌اند. این در حالی است که علمای بزرگ فریقین به شدت تحریف قرآن را انکار کرده و ده‌ها کتاب و مقاله در رد آن نوشته‌اند و از این‌رو ما در این مقاله به رد آن نخواهیم پرداخت.

۳-۲-۱. احتمال سوم

«کما انزل» یعنی مانند نزول اولیه بر پیامبر ﷺ با این اعتقاد که در نزول اولیه، همراه با وحی تنزیلی، مطالبی به عنوان «وحی بیانی و تفسیری» و به تعبیر دیگر «تفسیر وحیانی» نیز از طرف خداوند توسط جبرئیل بر پیامبر نازل شده است و فریقین بر اصل وجود وحی بیانی مانند وحی تنزیلی اتفاق نظر دارند. روایات «نزول مثل و مثیلین قرآن همراه با قرآن بر پیامبر» شاهد بر این مدعا است: «عَنِ الْمِقْدَامِ بْنِ مَعْدِي كَرِبَ الْكِنْدِيُّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَا إِنِّي أُوتِيتُ الْكِتَابَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ أَلَا إِنِّي أُوتِيتُ الْقُرْآنَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ» (ابن حنبل، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۷، ص ۴۱۰) و «روى عن النبى ﷺ أنه قال: أُوتِيتُ الْقُرْآنَ وَمِثْلِيهِ» (طبرسى، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۱۰).

امام جعفر صادق ؑ نیز فرمودند: «قال ابو عبدالله ؑ: ان الله علم نبيه التنزيل والتأويل فعلمه رسول الله ﷺ عليا ؑ» (عیاشی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷)؛ خداوند تنزیل و تفسیر قرآن را به پیامبر ﷺ آموخت و رسول خدا ﷺ هم به علی ؑ آموخت. اوزاعی نیز از قول حسان بن عطیه گفته است که قرآن با وحی بر پیامبر ﷺ نازل می شد و جبرئیل علاوه بر آن، تفسیرش را نیز به ایشان می فرمود (ابن عبدالبر، ۱۳۹۸ ق، ج ۲، ص ۱۹۱).

این وحی تفسیری همراه با قرآن نوشته نمی شد و پیامبر ﷺ مأمور به تبلیغ همه آن برای مردم نبود؛ بلکه بخشی از آن را برای مردم بیان کرده و مطابق روایات، تماش را به امام علی ؑ تعلیم داده است (عیاشی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۶۴ و ۲۷۸؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۴۳ و ۴۸؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق، ج ۴۲، ص ۳۸۵-۳۸۶). مقدار دقیق این وحی تفسیری معلوم نیست و احکام مربوط به قرآن درباره آن جاری نمی شود. بنا بر این احتمال، منظور از «کما انزل» این است که مصحف امام علی ؑ مشتمل بر وحی تفسیری و بیانی نیز بوده است؛ برخلاف قرآن مرسوم، که تنها دربردارنده وحی تنزیلی است.

۴-۲-۱. احتمال چهارم

«کما انزل» تنها بر نزول از طرف خداوند دلالت می کند؛ بدون دلالت بر زمان نزول و ترتیب نزول. نمونه این استعمال، در حدیثی از امام باقر ؑ در هنگام شمارش شرایع اسلام دیده می شود. ایشان بعد از ذکر تعدادی از واجبات، از جمله وجوب وضو، غسل، نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، تقیه، برائت از دشمنان اهل بیت ؑ و دوستی محبان اهل بیت ؑ، حلیت متعه و وجوب حج تمتع را با عبارت «کما أنزلهما الله» بیان فرمودند: «وتحليل المتعین واجب كما أنزلهما الله عز وجل في كتابه وسنهما رسول الله ﷺ: متعة الحج ومتعة النساء، والفرائض على ما أنزل الله تبارك وتعالى» (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۶۰۳-۶۰۴).

در واقع، «کما انزل الله» در روایت کافی به معنای «ما انزل الله» است که در این حدیث آمده و در احادیث دیگر نیز این تعبیر ذکر شده است؛ از جمله در حدیثی که امام علی ؑ می فرماید: اگر شرایط مهیا بود، برای اهل

تورات «بما انزل فی التوراة» و برای اهل انجیل «بما أنزل الله فی الإنجیل» و برای اهل قرآن «بما أنزل الله فی القرآن» حکم می‌کردم (عیاشی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵).

۵-۲-۱. احتمال پنجم

مراد از «کما انزل» همان قرائتی است که بر پیامبر ﷺ نازل شده و آن حضرت بر امت خوانده است. لازمه این معنا، فراموشی قرائت پیامبر ﷺ در جامعه و جایگزینی قرائتی دیگر است که با توجه به ادله و شواهد تاریخی - که اینجا مجال بیان آن نیست - وقوعش در حد محال بوده و مستلزم تحریف قرآن نیز است که بزرگان شیعه و اهل سنت به شدت آن را مردود می‌شمارند. افزون بر این، قرائت رایج و مقبول در طول تاریخ در جوامع اسلامی، یعنی حفص از عاصم از امام علی علیه السلام، همان قرائت عامه مردم بوده است (معرفت، ۱۳۸۵، ص ۲۱۳) که ایشان نیز قطعاً این قرائت رایج را از پیامبر ﷺ آموخته‌اند.

۲. قراین و دلایل بر صحت احتمال سوم

از بین احتمالات ذکر شده به نظر می‌رسد که احتمال سوم، یعنی «نزل قرآن تنزیلی به‌ضمیمه قرآن تفسیری و تفسیر وحیانی» به واقع نزدیک‌تر باشد و شواهد زیر آن را تقویت می‌کند.

۱-۲. روایت تفسیر قمی

عنه [علی بن الحسین] عن احمد بن ابی عبدالله عن علی بن الحکم عن سیف بن عمیره عن أبی یکر حضرمی عن أبی عبد الله علیه السلام قال إرسول الله صلی الله علیه و آله قال لعلي عليه السلام: «يا علي القرآن خلف فراشي في الصحف والحريير والقراطيس فخذوه واجمعوه ولا تضيعوه كما ضيعت اليهود التوراة». فانطلق علي عليه السلام فجعله في ثوب أصفر ثم ختم عليه في بيته وقال: «لا أرتدى حتي أجمعه». فإنه كان الرجل ليأتيه فيخرج إليه بغير رداء حتي جمعه. قال وقال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لو أن الناس قرءوا القرآن كما أنزل الله ما اختلف اثنان (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۵۱).

از ذیل حدیث (لو أن الناس...) استفاده می‌شود که احتمال سوم در معنای روایت مراد باشد؛ زیرا آنچه باعث قریب به اتفاق اختلافات در جامعه اسلامی در طول تاریخ شده و فرق و مذاهب مختلف را به وجود آورده و سبب تکفیر و جنگ‌ها و خونریزی‌ها شده، فهم ناصحیح از آیات قرآن در اثر بی‌توجهی به وحی تفسیری و بیانی نازل شده همراه با قرآن بوده است، نه اختلاف در ترتیب نزول آیات و سور قرآن کریم.

در خصوص سند روایات تفسیر علی بن ابراهیم، با توجه به اتصال سندش به امام، باید گفت که بر اساس گفته قمی در مقدمه تفسیرش که آنچه در این کتاب آمده، از طریق مشایخ و ثقات شیعه از امامان معصوم به او رسیده است (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴) و بزرگان حدیث و رجال و اصول این گفته علی بن ابراهیم را توثیق عام او دانسته‌اند (عاملی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۶۸؛ خویی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۹؛ نوری طبرسی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۳۳؛ صدر، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۹۳ و ج ۲، ص ۵۶۹؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۱ و ۶۲؛ ابطحی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۱۳) و با توجه به

حجت بودن توثیق عام مانند توثیق خاص (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۹؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۱ و ۶۲)، بر فرض تسلّم انتساب تفسیر به علی بن ابراهیم، سند روایت قابل قبول است؛ هر چند به نظر می رسد که با توجه به کثرت روایات جمع قرآن توسط امام علی علیه السلام و وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به جمع قرآن، که شیعه و اهل سنت به طرق مختلف نقل کرده اند، و عدم داعی بر جعل از جانب اهل سنت، در این خصوص لزومی به بحث سندی نیست.

۲-۲. تعلیل به علم امام علی علیه السلام به «کما انزل» که ذیل روایت ابی رافع بود

«...فألفه كما أنزله الله وكان به عالماً» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۳۱۹). جمله «وكان به عالماً» تعلیل برای صحت گردآوری «کما انزل» به دست امام علی علیه السلام است و ظاهرش انحصار این علم به امام است؛ چون در مقام تمجید و تکریم از امام علی علیه السلام است. حال اگر مرجع ضمیر «به» را وحی تفسیری نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله بدانیم، با توجه به آنچه قبلاً بیان شد، مبنی بر اینکه تمام این وحی تفسیری را پیامبر صلی الله علیه و آله منحصرأً به امام علی علیه السلام تعلیم کرده است، مضمون حدیث مطابق واقع می شود و جای خدشه و اشکالی باقی نمی ماند؛ اما اگر ضمیر به ترتیب نزول برگردد، دیگران نیز می توانستند این علم را داشته باشند، به ویژه اصحاب و مسلمانان نخستین؛ و مزیت اختصاصی برای امام محسوب نمی شود؛ درحالی که ظاهر روایت و صریح روایاتی که بعداً ذکر خواهد شد، مدح امام علی علیه السلام و منحصر به فرد بودن گردآوری مصحف به سبب این علم است که دیگران از آن محروم اند.

۲-۳. روایاتی که بر انحصار جمع «کما انزل» به دست امام علی علیه السلام و ائمه معصوم علیهم السلام دلالت می کند

از جمله جابر می گوید: «شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود: احدی از مردم ادعا نمی کند که تمام قرآن را کما انزل الله جمع کرده است، مگر بسیار دروغگو؛ و جمع و حفظ نکرد قرآن را کما نزل الله، مگر علی بن ابی طالب علیه السلام و ائمه بعد از او علیهم السلام» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۲۸؛ صفار، ۱۳۶۲، ص ۲۱۳، ح ۲).

دلالت حدیث

از اختصاصات ائمه علیهم السلام بر غیرشان، علم لدنی آنهاست که از طرف خداوند متعال و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای حجت بودن بر خلق، تنها به ایشان افاضه شده و روایات متعدد بیانگر آن است؛ از جمله این روایت:

عن بشير الدهان قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إن الله فرض طاعتاً في كتابه فلا يسع الناس جهلها، لنا صفو المال، ولنا الأنفال، ولنا كرائم القرآن، ولا أقول لكم إنا أصحاب الغيب، ونعلم كتاب الله، وكتاب الله يحتمل كل شيء، إن الله أعلمنا علماً لا يعلمه أحد غير، وعلما قد أعلمه ملائكة ورسله، فما علمته ملائكة ورسله فحن نعلمه (عياشي، بی تا، ج ۱، ص ۱۶، ح ۷؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۷، ح ۱۱۳؛ همچنین ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۵، ح ۱۰۵).

حال با این فرض مسلم و بدیهی که مصحف امام علی علیه السلام مشتمل بر امور زایدی مانند بیان تأویل و تفسیر و مصادیق و... بوده، انحصار گردآوری قرآن «کما انزل» نیز به امام علی علیه السلام به دلیل اشتغال مصحفش بر همین علم لدنی مربوط به قرآن است، نه تدوین بر اساس نزول؛ و معقول نیست که اگر یکی از صحابه و مسلمانان اولیه ادعا کند قرآن را به ترتیب نزول جمع کرده ام، امام باقر علیه السلام این کار را محال دانسته باشد و ادعاکننده را بسیار دروغگو شمرده باشد.

و اراده این معنا از روایت را روایات مشابهی که وجود دارند، تأیید می‌کنند؛ مانند روایت جابر که به صراحت نشان می‌دهد توانایی جمع «ظاهر و باطن قرآن» به اوصیا و ائمه علیهم‌السلام اختصاص دارد: «عن جابر عن أبي جعفر علیه‌السلام قال: ما يستطيع أحد [أن] يدعى أنه جمع القرآن كله، ظاهره وباطنه، غير الأوصياء» (صفار، ۱۳۶۲، ج ۲۱۳، ۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۳)؛ و روایت سلمان فارسی که به اشتمال مصحف امام علی علیه‌السلام بر تأویل به علاوه تنزیل صراحت دارد: «...فلما جمعه كله وكتبه بيده تنزيله وتأويله والناسخ والمنسوخ...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۸، ص ۲۶۴؛ و ج ۹۲، ص ۴۰)؛ زیرا وقتی کلمه تنزیل در مقابل تأویل به کار می‌رود، منظور از تنزیل، الفاظ قرآن و معانی ظاهر آن، و مراد از تأویل، معانی باطن آن است (بابایی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۳).

بنابراین استدلال به «کتابه علی تنزیله» بر تدوین مصحف امام بر اساس ترتیب نزول (نजारادگان، ۱۴۲۴ق، ص ۷۱ و ۷۲) خالی از ضعف نیست؛ زیرا تنزیل، آنجا که در مقابل تأویل به کار رود، دلالت بر تدوین بر اساس نزول نمی‌کند و آنجا هم که به تنهایی به کار رفته باشد، دو احتمال در آن هست: ۱. «کتابه علی تنزیله» یعنی بر اساس ترتیب نزول؛ ۲. «کتابه علی تنزیله» یعنی تمام آنچه خداوند از الفاظ و تفسیر بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تنزیل کرده است؛ و این معانی باطنی همان علوم لدنی است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تفسیر آیات به امام علی علیه‌السلام آموخته است. پس معلوم می‌شود که مراد از «کما انزل» در دیگر روایات نیز تدوین مجموع تنزیل و تأویل یا همان وحی تنزیلی و وحی تفسیری بوده که تنها حضرت بر آن قادر بوده است.

شاهد، بلکه دلیل دیگر بر اراده جمع به معنای جمع قرآن تنزیل با قرآن تفسیری و تفسیر وحیانی این است که در روایت کافی «انحصار جمع» به بقیه ائمه هم نسبت داده شده است؛ درحالی که سایر ائمه علیهم‌السلام اصلاً قرآنی را جمع نکردند. پس ظاهر حدیث اشاره به همان مطلب مسلم نزد شیعه دارد که قائل است قرآن تنزیلی و تمام معارف آن، یعنی قرآن تفسیری، نزد ائمه علیهم‌السلام است.

۴-۲. بیانات امام علی علیه‌السلام درباره مصحفش

احادیث متعددی از امام علی علیه‌السلام درباره جمع مصحفش بعد از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است. در بعضی تأکید امام بر اشتمال مصحف بر تمام قرآن است: «يا أيها الناس... وليست منه آية إلا وقد جمعناها... من فاتحته إلى خاتمتها» (سلیم‌بن قیس، ۱۳۸۰، ص ۱۴۷؛ ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۴۱). علامه مجلسی درباره سند و حجیت کتاب سلیم‌بن قیس می‌گوید: این کتاب در نهایت شهرت است؛ هرچند عده‌ای به آن اشکال گرفته‌اند. حق این است که از اصول معتبره است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۲).

در بعضی دیگر، امام به نبود کاستی و زیادی، حتی در یک حرف از قرآن، تصریح می‌کند (صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۸۶؛ فیض کاشانی، ۱۳۶۵، ج ۹، ص ۱۷۷۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۴۱؛ بحرانی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۸۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۷؛ طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۳۸۳؛ خویی، ۱۳۹۵ق، ص ۲۲۳). در این دسته روایات نیز

هیچ مؤیدی بر جمع بر اساس نزول وجود ندارد. حال با پذیرش همگان بر تفاوت مصحف امام علی^{علیه السلام} با سایر مصحف؛ همچنین تصریح روایات و اسناد تاریخی و اعتراف علما به اشتغال قرآن حضرت بر ناسخ و منسوخ، شأن نزول، تأویل و... احتمال قابل قبول در تدوین کما انزل، باید تدوین همراه با وحی تفسیری و تفسیر وحیانی باشد.

حتی می‌توان ادعا کرد که با توجه به عبارت «من فاتحته إلى خاتمته» در روایت، اشاره بلکه دلالت می‌کند به اینکه قرآنش بر همین ترتیب فعلی تدوین شده است؛ چون فرمود «من فاتحته» و کلمه «من» ابتدائیه است، و کلمه «فاتحه» اسم است برای سوره حمد که در قرآن‌های موجود هم در اول قرار دارد، و کلمه «الی» بیانگر انتهای غایت است؛ مانند «سرت من البصره الی الکوفه». بنابراین همان‌طور که این عبارت بیانگر شروع حرکت از بصره و استمرار آن تا رسیدن به کوفه است، در این بیان حضرت علی^{علیه السلام} گزارش می‌دهد جمع مصحف را از سوره حمد و فاتحه شروع نموده و همین‌طور ادامه داده تا به آخر و خاتمه قرآن، و باید خاتمه قرآن هم مانند ابتدای آن برای مردم روشن و آشکار باشد؛ همچنان که کوفه در آن مثال برای مردم معلوم و مشخص است، و این امکان ندارد مگر اینکه مثل قرآن‌های موجود آخر قرآن برای همه روشن باشد که سوره «ناس» است، و این یعنی جمع‌آوری قرآن مطابق ترتیب نزول فعلی. اگر مراد حضرت جمع‌آوری بر اساس ترتیب نزول بود، مناسب بود بفرماید: «وقد جمعتها... من اول ما نزل إلى آخر ما نزل».

۲-۵. بیان نشدن ترتیب نزول در کلام مخالفان مصحف

آنان که مصحف را بعد از جمع و عرضه اولیه دیدند و به شدت با آن مخالفت کردند و نپذیرفتند، هیچ اشاره‌ای به تألیف آن بر اساس نزول نکردند؛ پس نمی‌توان به صورت قطعی ادعا کرد که مصحف حضرت بر اساس نزول بوده است؛ چنان که قائلین به قول اول، ترتیب بر اساس نزول را مسلم گرفته‌اند؛ بلکه علت رد را وجود مصحفی مانند مصحف امام علی^{علیه السلام} نزد آنان ذکر کرده‌اند: «فقالوا: هو ذا عندنا مصحف جامع فيه القرآن لا حاجة لنا فيه» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۳۳)؛ «فقالوا: لا حاجة لنا فيه، عندنا مثل الذی عندک» (صدوق، ۱۴۱۴، ج ۸۶، ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۲۰؛ طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۴۰ و ۴۱؛ بحرانی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۸۲). البته در بعضی از روایات تصریح شده است که وقتی مخالفان نظر کردند در مصحف حضرت و در آن فضایح قوم را دیدند، از قبول آن سر باز زدند (طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۲، ص ۹۲؛ بحرانی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۸۲؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۸۱).

حال با توجه به اینکه قرآن موجود در بین مسلمانان در صدر اسلام بعداً توسط خلفا جمع‌آوری شد و ترتیب آن بر اساس نزول نبوده و نیست، بنابراین باید این مثلث در ترتیب سوره‌ها و آیات و محتوای تنزیلی آن باشد و قرآن امام علی^{علیه السلام} هم بر اساس ترتیب نزول جمع‌آوری نشده باشد و نمی‌شود احتمال داد که مرادشان مثلث در حجم فقط بوده باشد؛ چون در قرآن نزد مردم و خلفا که بعداً جمع‌آوری شد، چیزی اضافه بر قرآن تنزیلی نبوده است؛ درحالی‌که

همگان معترف به اشتغال مصحف امام بر بیان ناسخ و منسوخ و شأن نزول و تأویل و معانی باطنی و مصادیق و... هستند. علاوه بر اینکه اگر مصحف حضرت به لحاظ ترتیب، مخالف با قرآن موجود در جامعه بود، مناسب بود برای رد مصحف حضرت به آن تمسک می‌کردند.

بنا بر نظر اصح و اقرب به حق، ترتیب سور و آیات در قرآن هر دو توقیفی بوده است و صحابه هیچ‌گونه دخالتی در چینش نداشته‌اند (خازن بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۹؛ ملاحیوش آل‌غازی، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۴؛ هاشمی خویی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۲۶۷) و ترتیب قرآن مکتوب در لوح محفوظ نیز مانند قرآن موجود در دست ماست (خازن بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۹) و امام علی^{علیه السلام} هم قرآنش مانند قرآن موجود بر اساس ترتیب توقیفی بوده است.

۲-۶. روایت بیانگر انحصار جمع قرآن به وصی پیامبر^{صلی الله علیه و آله}

در منابع روایی ما حدیثی وجود دارد که بر انحصار جمع قرآن به وصی نبی دلالت دارد: «عن ابی جعفر^{علیه السلام}: ما أحد من هذه الأمة جمع القرآن، إلا وصی محمد^{صلی الله علیه و آله}» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۵۱).

بیان دلالت

اگر نفی اصل جمع قرآن به‌دست دیگر صحابه مراد باشد، این بیان امام معصوم با گزارش‌های تاریخی متعدد و قطعی مبنی بر گردآوری مصحف به‌دست تعدادی از صحابه، از جمله سعد بن عبیده، ابوالدرداء، معاذ بن جبل، ثابت بن زید، ابی بن کعب، عبید بن معاویه (ابن ندیم، ۱۳۹۸ق، ج ۱، ص ۴۱) و بعضی از صحابیات، از جمله ورقه بنت عبدالله بن حارث (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۹۶)، مطابقت ندارد. اگر هم مراد جمع بر اساس ترتیب نزول بوده است، این کار اختصاص به وصی نداشت؛ چراکه اگر جایز بود و کسی اجازه داشت که قرآن را بر اساس نزول تدوین کند، اصحاب اولی رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} که شاهد نزول تدریجی آن بودند، توانایی این کار را داشتند؛ بنابراین منقبتی انحصاری به‌شمار نمی‌رود. تنها احتمال معقول از انحصار جمع‌آوری به وصی و فضیلت بودن این کار برای او، جمع قرآن همراه با وحی تفسیری و تفسیر وحیانی است؛ یعنی تفسیر و تأویلی که پیامبر^{صلی الله علیه و آله} از جبرئیل آموخته بود و تمام آن را تنها به وصی خود تعلیم کرده بود.

۲-۷. گزارش‌های رسیده از مصحف

اخبار بسیاری از ائمه معصوم^{علیهم السلام} و علمای صدر اسلام درباره مصحف امام و مسائل مرتبط با آن رسیده است که در آنها نیز شاهی صریح بر جمع قرآن بر اساس نزول وجود ندارد. پس نمی‌توان امری را که هیچ تصریحی به آن در منابع تاریخی نیامده است، تنها بر اساس یک احتمال در معنای روایت، امری مسلم گرفت و به امام معصوم نسبت داد؛ درحالی‌که مسلم بودن اشتغال مصحف حضرت بر زیاداتی مؤید و تقویت‌کننده اراده احتمال سوم از معنای کما انزل است. الف) امام باقر^{علیه السلام} فرمودند: علی^{علیه السلام} عبا بر دوش نینداخت تا اینکه قرآن را جمع کرد. «عن ابی جعفر^{علیه السلام}:... فلم یضع علی^{علیه السلام} ردائه علی ظهره حتی [جمع القرآن] فلم یزد فیه الشیطان شیئا ولم ینقص منه شیئا» (فراش کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۳۹). در این روایت نیز تنها اصل جمع قرآن به‌دست امام علی^{علیه السلام} بیان شده است.

ب) بیان ابن سیرین: غالب گزارش‌های نخستین درباره مصحف، از ابن سیرین است که تنها بر اصل جمع قرآن بدون عبارت «کما انزل» دلالت می‌کند. «محمد بن سیرین قال: لما توفي النبي أقسم على أن لا يرتدى برداء إلا لجمعة حتى يجمع القرآن في مصحف ففعل» (ابن ابی داود سجستانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۵۹؛ ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۲، ص ۳۳۸؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۹۸؛ بلاذری، ۱۹۵۹م، ج ۱، ص ۵۸۷؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۳۲۰؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ج ۹، ص ۹ و ۱۰). همین مضمون را خوارزمی نیز از عبد خیر از امام علی علیه السلام نقل کرده است (خوارزمی، ۱۴۱۴ق، ص ۹۳ و ۹۴).

البته در نقل دیگر ابن سیرین، که قبلاً ذکر شد (بلاذری، ۱۹۵۹م، ج ۱، ص ۵۸۷)، عبارت «کما انزل» آمده است که با توجه به احتمالات در معنای «کما انزل»، در تدوین بر اساس نزول صراحت ندارد و نمی‌تواند مستند قرار گیرد. ج) گزارش‌های بیانگر مصادر جمع: در بعضی از روایات که به منابع اولیه قرآن امام علی علیه السلام اشاره دارد، تنها به کیفیت تألیف و پاک‌نویسی و یکسان‌سازی قرآن از روی کاغذها، چوب‌ها و پوست‌ها و تکه‌های پارچه متفرقه تأکید شده است و هیچ نشانه‌ای از تدوین بر اساس ترتیب نزول وجود ندارد؛ از جمله: «لزم بيته وأقبل على القرآن يؤلفه ويجمعه، فلم يخرج من بيته حتى جمعه وكان في الصُحُف والشِّطَاط والأسيار والرقاع» (سلیم بن قیس، ۱۳۸۰، ص ۱۴۶؛ ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۸، ص ۲۶۴؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۲۶؛ نوری طبرسی، ۱۳۶۹، ص ۴۸۱).

د) گزارش‌های بیانگر محتوای مصحف: در مصادری نیز که به محتوای مصحف اشاره شده، تنها بر اشتمالش بر تنزیل و تأویل و ناسخ و منسوخ، نه ترتیب ناسخ و منسوخ، تأکید شده است؛ از جمله: «فلما جمعه كله وكتبه بيده على تنزيله وتأويله والناسخ منه والمنسوخ، بعث إليه أبو بكر...» (سلیم بن قیس، ۱۳۸۰، ص ۱۴۶؛ ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۸، ص ۲۶۴؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۲۶؛ نوری، ۱۳۶۹، ص ۴۸۱).

البته در ادامه نقلی از ابن سیرین آمده است: «قال ابن سیرین: فَبُيِّنَتْ أَنَّهُ كُتِبَ الْمَنَسُوخُ وَكُتِبَ النَّاسِخُ فِي أَثَرِهِ» (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، جزء اول، ص ۳۸، ح ۲۷)؛ اما اولاً محمدباقر محمودی، محقق *شواهد التنزیل* حاکم حسکانی، در حاشیه نوشته است که این دو کلمه «فی اثره» در نسخه یمینیه موجود نیست؛ ثانیاً چندین روایت از ابن سیرین در باب مصحف امام علی علیه السلام نقل شده (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، جزء اول، ص ۳۶، ح ۲۲) و در هیچ‌یک اشاره‌ای به ترتیب نشده است؛ ثالثاً ابن سیرین با عبارت «فَبُيِّنَتْ» بیان کرده است که با توجه به دسترسی نداشتن غیر معصومین به مصحف و اعتراف خود ابن سیرین به نبود دستیابی حسی به مصحف (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۶۲)، و نامعلوم بودن ناقل، این نقل، از شرایط لازم و کافی برای مستند واقع شدن برخوردار نیست؛ چون شهادت از روی غیر حس، با راوی مجهول، نامعتبر است.

ه) گزارش‌های بیانگر مدت تألیف: در اخباری حتی به امور با درجه اهمیت کمتر، مانند گزارش از مدت زمان تألیف در سه روز (ابن ندیم، ۱۳۹۸ق، ج ۱، ص ۴۱؛ ر.ک: فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۹۹؛ امین، ۱۴۰۳ق، ص ۱، ص ۹۸)

و شش ماه (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۳۱۹؛ امین، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۵۹۸؛ عاملی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۵۵) تصریح شده است؛ اما هیچ اشاره و شاهی بر جمع و تألیف مصحف به ترتیب نزول وجود ندارد.

۲-۸. اختیار احتمال سوم از سوی برخی از علما در تعبیر مشابه

محدث و مفسر بزرگ قرآن، فیض کاشانی، در تبیین روایاتی که بر حذف مطالبی از قرآن دلالت دارد، با بیان مراد از عبارت مشابه «کذا انزلت»، احتمال سوم از معنای «کما انزل» را تقویت می‌کند و می‌فرماید: این محذوفات از قبیل تفسیر بوده و «کذا انزلت»، یعنی همراه با این تفاسیر بوده است: «ولا یبعد أیضاً أن یقال: إن بعض المحذوفات کان من قبیل التفسیر والبیان، ولم یکن من أجزاء القرآن... فمعنی قولهم ﷺ: (کذا أنزلت) أن المراد به ذلک، لا أنها نزلت مع هذه الزیادة فی لفظها، فحذف منها ذلک اللفظ» (فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۲). در جای دیگر بیان کرده است: مراد از «کذا نزلت» همان است که گفتیم؛ نه آنچه مردم می‌فهمند به اینکه لفظی بوده و حذف شده باشد؛ «قولهم علیه السلام کذا نزلت أن المراد به ذلک لا ما یفهمه الناس من ظاهره ولیس مرادهم أنها نزلت کذلک فی اللفظ فحذف ذلک» (فیض کاشانی، ۱۳۶۵، ج ۹، ص ۱۷۸۰).

۳. نقد ادله حمل «کما انزل» بر نزول ترتیبی

اما ادله‌ای که برای دلالت «کما انزل» و غیر آن بر ترتیب نزولی ذکر کرده‌اند و نقد آنها بدین شرح است:

۱. استشهد به روایت ابی‌رافع: «...فألفه کما أنزله الله وکان به عالماً» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۳۱۹) و روایت جابر: «قال: سمعت أبا جعفر ﷺ یقول: ما ادعی أحد من الناس أنه جمع القرآن کلّه کما أنزل إلا کذاب، و ما جمعه وحفظه کما نزلّه الله تعالی إلا علی بن أبی طالب ﷺ والأئمة من بعده علیهم السلام» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۲۸؛ صفار، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۱۳)؛ به این بیان که عبارت «کما انزل الله» به ترتیب نزول آیات و سور اشاره دارد (بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۱۵۷). پس این دو روایت بر تألیف و جمع بر اساس ترتیب نزول دلالت می‌کنند.

اشکال: اولاً این دلالت اشاره‌ای برداشت ایشان است و چنان‌که بیان شد، در روایت پنج احتمال هست؛ ثانیاً بنا بر اعتراف ایشان، صرف اشاره است، نه تصریح و ظهور به چیش بر اساس نزول، تا صلاحیت مستند شدن را پیدا کند؛ ثالثاً نهایت چیزی را که می‌تواند ادعا کند سبقت گرفتن «ترتیب نزول» از این عبارت به ذهن قبل از سایر احتمالات است، بر فرض تنزل و قبول این سبقت اگر هم بشود اسمش را ظهور گذاشت، در اصول فقه مقرر است ظهورات اولیه حجت است تا زمانی که قرینه بر خلاف آن نباشد؛ درحالی‌که بر خلاف این ظهور ابتدایی ادعایی ده‌ها شاهد و قرینه و دلیل وجود دارد که به بعضی از آنها در این مقاله اشاره شده است؛ رابعاً نسبت جمع قرآن به سایر ائمه ﷺ ظهور، بلکه نص است در اینکه مراد جمع تمام معارف قرآن است؛ یعنی قرآن تنزیلی با تفسیر وحیانی، نه جمع بر اساس نزول.

۲. تمسک به روایت سالم‌بن سلمه، که ذکر آن گذشت: «...فقال لهم: هذا کتاب الله عز وجل کما أنزل...» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۳۳)؛ به این نحو که عبارت «کما انزل» می‌تواند ابعاد گوناگون داشته باشد؛ از جمله: ترتیب آیات؛

ترتیب سوره‌ها؛ کلمات و الفاظ، آن گونه که نازل شده‌اند؛ و با توجه به آنکه تغییر و تبدیل در آیات ممنوع است، تغییر ترتیب آیات در سوره‌ها امری بسیار مشکوک یا محدود است؛ حداقل مورد مسلم از مصادیق آن، ترتیب نزول سوره‌ها خواهد بود (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۱۵۷).

اشکال: در اینجا ایشان دلالت بر ترتیب نزول را مسلم و قطعی گرفته‌اند و تردید در مصداق و مقدار آن دارند، و چون در مورد آیات مواجه با مشکل است، به ناچار قائل به ترتیب در سوره‌ها می‌شود؛ درحالی که با توجه به پنج احتمال بیان شده، این یقین به دلالت بر ترتیب نزول محل مناقشه است.

۳. استدلال به روایت حضرمی: «قال رسول الله ﷺ: «لو أن الناس قرءوا القرآن كما أنزل الله ما اختلف اثنان» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۵)؛ به این بیان که روایت به کارآمدی و فایده قرائت قرآن به ترتیب طبیعی نزول اشاره دارد. بر اساس این روایت، رعایت ترتیب سوره‌ها و آیات قرآن در قرائت، زمینه اختلافاتی را که ناشی از ندانستن حقیقت مراد خدای تعالی است، از بین می‌برد (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۱۵۸)؛ و اضافه می‌کند: چنان که در روایتی مرسله از امام صادق علیه السلام نقل شده است: اگر مردم قرآن را آن گونه که نازل شده است، بخوانند، نام ما را در آنجا خواهند دید (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۵).

اشکال: مناقشه در استدلال به روایت حضرمی، در بیان قرائن بر احتمال سوم گذشت؛ اما تمسک به مرسله برای دلالت بر ترتیب تنزیل و قبول معنای ظاهری روایت، از ایشان بعید بود؛ آیا اگر قرآن به ترتیب نزول جمع شود، اسامی ائمه در آن مذکور می‌شود که با چپش برخلاف نزول، این اسامی حذف شده باشد؟! . بلکه این روایت و امثال آن، ظاهر، بلکه صریح است در اینکه مراد جمع قرآن با تفسیر وحیانی او مراد است که در آن مصادیق آیات - ائمه معصومین - بیان شده است.

۴. استدلال به حدیث دخول امام علی علیه السلام بر پیامبر ﷺ دو بار در هر شبانه‌روز و فراگیری قرآن و معارف آن (کافی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۶۴)؛ به این تقریر که ظاهر روایت آن است که حضرت مصحف مخصوص به خود را به ترتیب نزول آیات و سوره‌ها و در طی حیات پیامبر ﷺ به تدریج نوشته و نکات معارفی را نیز در کنار آنها قرار داده است (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۱۵۹).

اشکال: این حدیث تنها به اصل کتابت تصریح می‌کند: «فَكَتَبْتُهَا بِحُطْيٍ»، نه منظم کردن سوره‌ها بر اساس نزول؛ به علاوه اگر این ظهور درست باشد، باید همین ظهور را در مورد ترتیب آیات هم قائل شوند؛ درحالی که قائل نیستند.

۵. ادعای عدم تردید، به این بیان که تردیدی در ترتیب نزولی بودن مصحف امام علی علیه السلام وجود ندارد؛ بلکه این ترتیب با روایاتی که مربوط به عصر حضور امام زمان علیه السلام و تعلیم و قرائت در کوفه است، تأیید می‌شود (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۱۵۹)؛ همچنین روایاتی که دلالت دارد بر اینکه امام زمان علیه السلام با قرآنی تازه می‌آید (نعمانی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۹۴) و آن حضرت مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام را رواج می‌دهد، همگی شواهد چنین ترتیبی است (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۱۶۰).

اشکال: این ادعای عدم تردید، با وجود احتمالات در مراد از «کما انزل» و تردید در دلالت سایر روایات و مخالفت صریح بعضی از علما با تفاوت چینش مصحف امام علی^{علیه السلام} با قرآن موجود، بی اعتبار خواهد بود؛ چنان که تفاوت قرآنی که امام زمان^{علیه السلام} می آورد با قرآن تنزیلی موجود در ترتیب، مسلم نیست؛ بلکه محل مناقشه بلکه منع است. البته در مقابل بعضی دلالت این روایات را بر تفاوت قرآن تنزیلی نزد امام زمان^{علیه السلام} با قرآن فعلی مسلم گرفته و قائل به تحریف به نقیصه در قرآن شدند، که آن نیز مورد منع شدید جمهور علما فریقین است.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه بیان شد، از معنای لغوی «نزل و انزل» و روایات مشتمل بر تعبیر «کما انزل» و متون بیانگر وصیت پیامبر^{صلی الله علیه و آله} و عمل امام علی^{علیه السلام} به آن و گزارش های رسیده درباره مصحف از ائمه معصوم^{علیهم السلام} و افراد هم عصر با امام علی^{علیه السلام}، شاهد و دلیل قطعی بر دلالت و ظهور عبارت «کما انزل» بر چینش آیات و سور مصحف بر اساس ترتیب نزول پیدا نشد و با توجه به عدم دسترسی حسی غیر معصومین به مصحف، دلالت این تعبیر «کما انزل» بر ترتیب نزول، یک احتمال در مقابل دست کم پنج احتمال دیگر است. حال با توجه به قاعده معروف «إذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال»، آنچه بر این باور استوار شده، از جمله اسناد و مشروعیت پدیده نوظهور تفسیر تنزیلی قرآن به سنت و روش امام علی^{علیه السلام} قابل تأمل و اشکال است. البته صحت یا مزایای این سبک تفسیری را شاید بشود از طرق دیگری غیر از عمل معصوم اثبات کرد.

منابع

قرآن کریم

- آیاری، ابراهیم (۱۴۱۱ق). *تاریخ القرآن*. قاهره / بیروت: دار الکتب المصری / اللبنانی.
- ابطحی، محمدعلی (۱۴۱۷ق). *تهذیب المقال فی تنقیح کتاب رجال النجاشی*. نگارش: سیدمحمد ابطحی. قم: بی‌نا.
- ابن ابی داود سجستانی، عبدالله (۱۴۲۳ق). *المصاحف*. تحقیق: محمدبن عبده. مصر: الفاروق الحدیثه.
- ابن جزى غرناطی، محمد (۱۴۱۶ق). *التسهیل لعلوم التنزیل*. تحقیق: عبدالله خالدی. بیروت: دار أرقم.
- ابن حجر عسقلانی، احمد (۱۳۷۹ق). *فتح الباری*. تحقیق: فؤاد عبدالباقي. بیروت: دار المعرفة.
- ابن حنبل، احمد (۴۲۰ق). *مسند امام أحمد بن حنبل*. تحقیق و تصحیح: شعيب أرنؤوط و دیگران. بیروت: الرسالة.
- ابن سعد، محمد (۱۹۶۸م). *الطبقات الکبری*. تحقیق: إحسان عباس. بیروت: دار صادر.
- ابن شهر آشوب، محمد (۳۷۶ق). *مناب آل أبی طالب*. نجف: المكتبة الحیدریه.
- ابن عبدالبر، یوسف (۱۳۹۸ق). *جامع بیان العلم و فضلہ*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن عساکر، علی (۱۴۱۵ق). *تاریخ مدینة دمشق*. دراسه و تحقیق: علی شیرى. بیروت: دار الفكر.
- ابن فارس، احمد (۱۳۸۷). *ترتیب مقائیس اللغة*. ترتیب و تنقیح: علی عسگرى - حیدر مسجدی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ابن ندیم، محمد (۱۳۹۸ق). *الفهرست*. بیروت: دار المعرفة.
- احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ق). *مکاتیب الرسول*. قم: دارالحدیث.
- امین، سیدمحسن (۱۴۰۳ق). *أعیان الشیعه*. تحقیق و أخرج: حسن أمین. بیروت: دار التعارف.
- ایازی، سیدمحمدعلی (۱۳۸۰). *مصحف امام علی*. تهران: وزارت ارشاد.
- بابایی، علی اکبر (۱۳۸۹). *مکاتیب تفسیری*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۵ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه البعثه.
- بحرانی، یوسف (۱۴۲۳ق). *الدرر النجفیه*. بیروت: دار المصطفی.
- بلاذری، أحمد (۱۹۵۹م). *أنساب الأشراف*. تحقیق: محمد حمیدالله. مصر: دار المعارف.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۰). *تفسیر همگام با وحی تفسیر تنزیلی*. قم: مؤسسه التمهید.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۲). *تفسیر تنزیلی، اصول، مبانی، قواعد و فوائد*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حاکم حسکانی، عیبدالله (۱۴۱۱ق). *شواهد التنزیل*. تحقیق و تعلیق: محمداقبر محمودی. ایران: وزارت ارشاد / مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.
- خازن بغدادی، علی (۱۴۱۵ق). *لباب التأویل فی معان التنزیل*. تحقیق و تصحیح: محمدعلی شاهین. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- خوارزمی، موفق (۱۴۱۴ق). *المناقب*. تحقیق: مالک محمودی. قم: نشر اسلامی - مؤسسه سیدالشهداء.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۵ق). *البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار الزهراء.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۳ق). *معجم رجال الحدیث*. قم: منشورات مدینة العلم.
- رامیار، محمود (۱۳۶۹). *تاریخ قرآن*. تهران: امیرکبیر.
- سلیم بن قیس الهملالی الکوفی (۱۳۸۰). *کتاب سلیم بن قیس*. تحقیق: محمداقبر انصاری زنجانی. قم: دلیل ما.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۶ق). *الإتقان*. تحقیق: سعید المندوب. بیروت: دار الفكر.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۹۳). *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*. ترجمه محسن احمدی. تهران: منیر.
- صدر، سیدحسن (بی‌تا). *الشیعه و فنون الإسلام*. بی‌جا: بی‌نا.
- صدر، محمداقبر (۱۴۹۷ق). *مباحث الأصول*. مقرر: سیدکاظم حائری. قم: مکتب الإعلام الاسلامی.
- صدوق، محمد (۱۳۶۲). *الخصال*. تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری. قم: نشر اسلامی.

- صدوق، محمد (۱۴۱۴ق). *الاعتقادات*. تحقیق: عصام عبد السید. بیروت: دار المفید.
- صفار، محمد (۱۳۶۲). *بصائر الدرجات*. تقدیم و تعلیق و تصحیح: میرزا حسن کوچه‌باغی. تهران: علمی.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۶۰). *قرآن در اسلام*. قم: هجرت.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۹). *مجمع البیان*. باتعلیق ابوالحسن شعرانی و تصحیح حامد فدوی اردستانی. تهران: المکتبه الرضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۶ق). *الاحتجاج*. تعلیقات و ملاحظات: محمدباقر خراسان. نجف: دار النعمان.
- طوسی، محمد (۱۴۱۵ق). *رجال شیخ طوسی*. تحقیق: جواد قیومی اصفهانی. قم: اسلامی
- حر عاملی، (۱۴۰۳ق). *وسائل الشیعه*. تحقیق: عبدالحسین ربانی شیرازی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۱۰ق). *حقائق هامة حول القرآن الکریم*. قم: اسلامی.
- عباشی، محمد بن مسعود (بی‌تا). *تفسیر العیاشی*. تصحیح و تحقیق و تعلیقه: هاشم رسولی محلاتی. تهران: علمیه اسلامیة.
- فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق) *تفسیر فرات الکوفی*. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- فیض کاشانی، محسن (۱۳۶۵). *الوافی*. تحقیق، تصحیح و تعلیقه و مقابله با أصل: ضیاءالدین حسینی. اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام.
- فیومی، احمد (۱۴۰۵ق). *مصباح المنیر*. قم: دار الهجره.
- فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۶ق). *التفسیر الصافی*. تصحیح و تعلیقه: حسین علمی. قم / تهران: هادی / صدر.
- قرطبی، محمد (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). *تفسیر القمی*. تحقیق: سیدطیب الموسوی الجزائری. نجف: مکتبه الهدی.
- کردی، محمدطاهر (۱۳۶۵ق). *تاریخ القرآن الکریم*. جده: الفتح.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*. تصحیح و تعلیق: علی‌اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷). *الکافی*. لجنة التحقيق. قم: دار الحديث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳). *مرآة العقول*. إخراج و مقابله و تصحیح: سیدهاشم رسولی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: الوفاء.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۵). *علوم قرآنی*. قم: التمهید.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۱۳ق الف). *تألیف/تألیف*. قم: اسلامی.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۱۳ق ب). *صیانة القرآن من التحریف*. قم: اسلامی.
- شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق الف). *أوائل المقالات*. تحقیق: ابراهیم أنصاری. بیروت: دار المفی.
- شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق ب). *المسائل السرویه*. تحقیق: صائب عبد الحمید. بیروت: دار المفید.
- ملاحویش آل غازی، عبدالقادر (۱۳۸۲ق). *بیان المعانی*. دمشق: مطبعة الترقی.
- نجاززادگان، فتح‌الله (۱۴۲۴ق). *سلامة القرآن من التحریف*. تهران: مشعر.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶ق). *فهرست اسماء مصنفی الشیعه (رجال النجاشی)*. قم: اسلامی.
- نعمانی، محمد ابن ابی‌زینب (۱۴۲۲ق). *الغیبه*. تحقیق: فارس حسون کریم. قم: انوار الهدی.
- نکونام، جعفر (۱۳۸۲). *پژوهشی در مصحف امام علی علیه السلام*. رشت: مبین.
- نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۲ق). *مستدرکات علم رجال الحديث*. تهران: شفق.
- نوری طبرسی، حسین (۱۳۶۹). *نفس الرحمن فی فضائل سلمان*. تحقیق: جواد قیومی. اصفهان: آفاق.
- نوری طبرسی، حسین (۱۴۱۶ق). *خاتمة المستدرک*. قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- هاشمی خویی، حبیب‌الله (بی‌تا). *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*. تصحیح و تهذیب: سیدابراهیم میانجی. تهران: اسلامیة.